

استفتانات پیرامون تغییر خط (در ۱۵۰ سال اخیر)

کاظم استادی

موضوع «احکام و استفتانات پیرامون خط» را می‌توان در ریز موضوعات مختلفی، همانند موارد زیر دنبال کرد: رسم‌الخط قرآن، مس نوشته، نویسنده، خط بریل، تغییر خط، خطوط مشکوک به قرآن، تغییر خط قرآن، چاپ قرآن با خط لاتین، خرید و فروش و نگهداری خط، اجرت خط، ابزار نگارش، و بسیاری از موضوعات دیگر.

در مقاله دیگرم تحت عنوان «بررسی و توضیح صورت مسئله فقهی تغییر خط عربی و کتابت قرآن» مطالبی از این دست بیان شد: ۱. تعریف و مفهوم شناسی مسئله؛ ۲. پیشینه و تاریخچه؛ ۳. تبیین و شناخت صورت دقیق مسئله؛ ۴. نوشتن قرآن با خطوط مختلف و ۵. کتابت از نظر قرآن، روایات، اجماع و عقل. تا آنجا که ما اطلاع یافتیم، تاکنون به مسئله فقهی «نوشتن»، «خط» و «تغییر خط» و مسایل پیرامون آن به ندرت پرداخته شده است. مراجعه به کتب فقهی روایی، استدلالی و فتوایی و نیز رساله‌های فقهی، مشخص می‌کند که احکامی پیرامون نوشتن موجود نیست یا دست کم بسیار نادر و انگشت‌شمار هستند. در زمان‌های گذشته، به علت بی‌سوادی مردم در نوشتن، برای اکثریت آنها موضوع نوشتن و به تبع آن موضوع خط، مورد ابتلای عمومی نبوده است و مراجعه قابل ملاحظه‌ای، به فقها و علماء پیرامون این موضوع نداشته‌اند. بنابراین احکام و استفتانات پیرامون خط یا تغییر خط، بسیار نادر است. به صورتی که کل

۱. الف. خط عربی و زبان عربی؛ ب. خط عربی و زبان غیرعربی؛ ج. خط غیرعربی و زبان عربی و د. خط غیرعربی و زبان غیرعربی.

آنها در این نوشتار کوچک، جمع شده‌اند.
ابتدا با ذکر مقدمه‌ای کوتاه در خط و تغییر خط، به همه احکام و استفتائاتی که پیرامون تغییر خط دست یافته‌ایم، به ترتیب تاریخی اشاره می‌کنیم.

خط در لغت

خط [خ ط ط] (ع مص) کم و اندک خوردن. || شکافتن و حفر قبر کردن. || منع کردن و بازداشتن غیر را از چیزی. || خطوط پیدا شدن در روی کسی. || جهت بنا خط کشیدن گرداگرد زمین و حد پیدا کردن || به روی چیزی علامت یا خط گذاردن. نوشتن نامه را با دست یا با قلم. (منتهی‌الارب). کتابت. نوشتن. (یادداشت به خط دهخدا) || راه خفیف در زمین نرم. (منتهی‌الارب). طریق. سبیل. (یادداشت به خط دهخدا). جمع: خطوط، اخطاط. موی تازه دمیده بر عارض. (آندراج) || اثر. علامت. نشان. (یادداشت به خط دهخدا) || سطر. (ناظم‌الاطباء) || قلم. (یادداشت به خط مؤلف). چون: خط^۲ کوفی؛ قلم کوفی. به خط فلان؛ به قلم فلان. || عقیده. رأی. نظر. || سند. حجت قباله. برات. التزام کتبی. || حکم. دستور. فرمان. امر. (یادداشت به خط دهخدا) || حکم الهی. قضا و قدر. || نبشته^۳.
قال الجاحظ: الخط، لسان الید و سفیر الضمیر و مستودع الاسرار و مستنبط الاخبار و حافظ الآثار.

۱. در آندراج آمده است: کلمات یا عبارات زیر از جمله صفات خط است: نورسته، نودمیده، سبزه، پسته، ریجانی، زنگاری، سیاه، عنبری، عنبرین، عنبرافشان، عنبربار، بنفشه‌گون، شبگون، شب‌رنگ، معنبر، مشکین‌رقم، مشکین‌فام، مشکبار، مشک‌فشان، مشک‌اندود، غالیه‌سا، جان‌پرور، دلفریب، دل‌آویز، دلکش، دلجوی، دل‌افزای، نازک، نازک‌رقم، بی‌قلم، خوب، بدیع، نقش بدیع، موزون، آشنارو، تازه‌رو، بهارآفرین، سحرآفرین، گیرا، بازیگوش، بیرحم، بی‌مروت، ظالم، سنگدل، سنگین‌دل، سیاه‌دل، مقدمه‌پیچتاب، آیه رحمت، رحمت عظمی، اول جوش بهار، خاکسترمراد، شکرپوش، عرض ملک، رهنمون، طوفان، حرف، لفظ، ترجمان راز، راز نمان، نفس سوخته. عبارات و کلمات زیر برخی از تشبیهات اوست: تبت، آیت‌الکرسی، ابجد جنون، سرمشق جنون، افسون زیان‌بند، نامه، نسخه، کتابت، کتاب خشک، مکتوب خشک، پرواز مراد، فرمان معانی طغرا، برات آسمانی، برات مسلمی، تقویم مصحف، رحل، جواب بی محل، آبنوس گرونامه، لام حسن، مطلع قلم، رخصت، دور، حاشیه، مرکب سیاه قلم، نشانی، عرض مکرر، قلاب کمان، حلقه مور، هجوم مور، سپه مور، طوطی، زاغ، پری، خیل، حصار، دام، قفس، جوشن، زره، جوهر، لوای، پرگار. (محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، مدخل: خط).

۲. احتمال دارد کلمه خط اصلش ایرانی باشد، کلمه‌ای به صورت خَد در اوستا به معنی کندن است؛ یعنی بر این پایه خط به نوشته‌هایی که به صورت کنده‌کاری بوده است به کار می‌رفته است. ریشه الفبا با ریشه مصری آن قابل توجه است، ولی اگر الف را از الیف مصری به معنی گاو بگیریم بهتر است با را هم کلمه‌ای مصری به معنی روح و دانش بگیریم لابد اصطلاح اوستایی گئوش اورون (روان گاو) ترجمه‌ای از نام مصری الیف با است. (مفرد کهلان، فرهنگ و اندیشه، وبسایت شخصی وی)

۳. از پی هم قرار دادن حروف. در پشت هم در آوردن کلمات به روی چیزی. در پهلوی هم قرار دادن علاماتی که مبین صوتی از اصوات است که از آن اصوات، الفاظ حاصل می‌آید و آن الفاظ، نمایشگر معانی است. در پشت هم قرار دادن علاماتی در روی چیزی که با اطلاع بر آن علامات معانی مورد نظر حاصل آید.

(نفایس الفنون). الخط، هو معرفة كيفية تصوير اللفظ بحروف هجائه الى السماء الحروف اذا قصد بها المسمى نحو قولك اكتب «جيم»، «عين»، «فاء»، «راء» فانما تكتب هذه الصورة جعفر لانه سماها خطأ و لفظاً و لذلك قال الخليل: لما سئلهم كيف تنطقون بالجيم من جعفر فقالوا جيم فقال انما نطقتم بالاسم و لم تنطقوا بالمسؤول عنه و الجواب «جه» لانه المسمى فان سمي به مسمى آخر كتب كغيرها نحو «ياسين»، «حاميم»، «يس» و «حم» هذا و ذكر في تعريفه و الغرض و الغاية ظاهر لكنهم اطنبوا في بيان احوال الخط و انواعه. (كشف الظنون).

خط در فقه

لفظ خط، هم در معنا و هم در اصطلاح، استعمال شده که در ابتدا به آن اشاره شد. همچنین خط، در باب صلات نیز به مناسبت، در دو معنی به کار رفته است: ۱. نشانه‌ای ممتد و باریک بر روی یک سطح؛ ۲. نوشته.

خط به معنی اول، همانند:

- کسی که در مسیر آمد و شد مردم نماز می‌گزارد، مستحب است پیش روی خود حائلی قرار دهد، هر چند با کشیدن خطی روی زمین.^۱

خط به معنای دوم، همانند:

- از خط به معنای دوم در باب‌هایی نظیر طهارت، صلات، وصیت، قضاء و شهادت سخن گفته‌اند. مَسْ نوشته قرآن بدون طهارت حرام و در صورت نجس شدن، از الة نجاست از آن واجب است.^۲ نماز گزاردن در برابر نوشته‌ای که خطوط آن نمایان است، کراهت دارد.^۳

- در مسائل حقوقی و کیفری، دست نوشته، اعتباری ندارد، مگر آنکه از قرآینی برای قاضی، علم به صحت مضمون آن حاصل شود؛ از این رو، بر نوشته‌ای که به عنوان وصیت از میتی پیدا شود، اثری مترتب نمی‌گردد، مگر آنکه از طریقی برای قاضی علم به درستی آن پیدا شود.^۴

- همچنین حکمی که به صورت دست نوشته، توسط قاضی‌ای برای اجرا به قاضی‌ای دیگر اعلام می‌شود، فاقد اعتبار است، مگر آنکه قاضی دوم با قرآینی علم به صدور آن از قاضی نخست پیدا کند.^۵

- کسی نمی‌تواند بر رخدادی که آن را به یاد ندارد، صرفاً با تکیه بر نوشته و مهر و امضای خود شهادت دهد، مگر آنکه شخص عادل دیگری او را تأیید کند و مدعی نیز فردی مطمئن باشد، که در این صورت، گروهی، شهادت دادن بر پایه نوشته و امضا را نافذ دانسته‌اند، هر چند شهادت دهنده، اصل رخداد

۱. خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۳.

۲. اصفهانی، مصباح الهدی، ج ۲، ص ۴۳-۴۴ و ج ۳، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. شیخ بهایی، جامع عباسی، ص ۳۵.

۴. طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۵، ص ۶۷۰؛ حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۵۷۸.

۵. نجفی جوهری، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۳۰۳؛ طباطبایی یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۳، ص ۲۷.

را به یاد نداشته باشد.^۱

استفتائات پیرامون تغییر خط

موضوع اصلی این مقاله، تغییر خط (نوشتار) است. به همین مناسبت، ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در «تغییر خط» بیان می‌شود و سپس استفتائات پیرامون خط و تغییر خط، به ترتیب تاریخ نقل خواهد شد. در جزیره العرب زمان پیامبر اسلام (ص)، خط «کوفی» و «نسخ» وجود داشت. کوفی از برخی خط‌های رایج در کشورهای دیگر مانند ایران، آسان‌تر بود؛ البته این خط نیز دارای عیب‌های بزرگی بود که برخی مسلمانان، برای از میان بردن آن عیب‌ها و رسایی خط، کوشش‌هایی انجام داده‌اند که از آن جمله است: ۱. ابداع حرکات حروف خط کوفی به شکل نقطه توسط «ابوالاسود دوتلی»؛ ۲. ابداع «نقطه» و ابداع «زیر و زیر» با دوایر کوچک و یا خطوط مورب نازک توسط «یحیی بن یعمر العدوانی» در خط کوفی؛ ۳. پیشنهاد علایمی شامل فتحه، ضمه، کسره، سکون، تشدید، مد، همزه و تنوین توسط «خلیل ابن احمد فراهیدی». با ورود مسلمانان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی از کاربرد عمومی ساقط شد و حتی تا چند قرن خط یا زبان نوشتاری مردم ایران، زبان و خط عربی گشت و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی‌نوشتند، مگر در گوشه و کنار و آن هم غیر قابل توجه. در واقع به طور رسمی و همه‌گیر، از اواسط قرن ششم زبان فارسی در نوشتارها، نمایان شد. سده ششم هـ.ق، آغاز خطاطی فارسی در ایران است. سده دوازدهم، با ورود چاپ و حروف‌چینی سربی به ایران، کاهش چشم‌گیری در خطاطی پدید آمد؛ حتی پس از آن، به مرور خطاطی کتاب، فقط به صورت تفننی و تزیینی به کار رفته است. در همین دوران، پس از گرفتاری‌هایی که بر سر کشورهای اسلامی همانند عثمانی و ایران به وجود آمد و پیشرفت‌های چشم‌گیری که اروپاییان پیدا نمودند. بسیاری را متوجه عقب ماندگی‌های مسلمانان نمود. در این میان توجه آنها به سطح سواد مردم جلب شد. و الفبای فارسی - عربی را علت بی‌سوادی مردم دانستند و راه پیشرفت را در باسواد نمودن مردم، از طریق تغییر الفبای قدیم پیگیری کردند. شاید آخوندزاده اولین کسی باشد که نسبت به ابداع خط جدید اقدام نمود و این اقدام او خیری شد. البته پیش از آخوندزاده، مسیو بارب، ناظر مدرسه السنه شرقیه وین، خطی برای خط اسلام، اختراع نمود و چند کتاب فارسی و عربی را به همان خط در وین منتشر کرد. همچنین منیف افندی وزیر دولت عثمانی، در سال ۱۲۳۹ ش. رساله‌ای درباره تغییر خط و ضرورت اصلاح الفبا نوشت و در جمعیت علمیه عثمانیه سخنرانی کرد.

آخوندزاده پس از اطلاع از اینکه کسانی در عثمانی موافق تغییر خط هستند، علاقه‌مند شد تا از طریق عثمانی پیگیر طرح خط خود شود. وی رساله خود را به صدراعظم عثمانی، فؤاد پاشا تقدیم کرد، اما بدون گرفتن نتیجه، از استانبول به قفقاز بازگشت. تلاش دوباره او نیز در دربار عثمانی، بی‌ثمر ماند. به سال

۱. نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۴۷. به نقل از ویکی فقه.

۱۲۴۸ ش. میرزا ملکم خان نیز به جرگه طرفداران تغییر خط پیوست. در سال مرگ آخوندزاده، بحث تغییر خط رونق گرفت و مقالاتی در روزنامه‌های اختر و حریت، ترقی عثمانی و نیز روزنامه‌های قفقاسیه منتشر شدند و تا کنون ادامه داشته‌اند.^۱

۱. استفتاء از انجمن علمی عثمانی^۲

ترجمه بخشی از بیانیه انجمن علمی عثمانی^۳ که در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۸۰، برای فتحعلی آخوندزاده نگارش شده است: «... رسم الخط یاد شده بررسی گردیده، توضیحات لازم از پدید آورنده‌اش مطالبه شده. رسم الخط موجود در میان امت اسلامی، هرگز به افاده مرام مساعد نیست و به قرائت منظور از آن لفظ وافی نمی‌باشد، زیرا هر کلمه‌اش به چندین صورت قرائت قابلیت دارد. این وضع همواره موجب بروز اشکال برای اهل مطالعه، به ویژه با کمبود افراد آشنا با خواندن و نوشتن در ممالک اسلامی می‌باشد. رسم الخط جدید این محذورها را بر می‌دارد. پذیرش این رسم الخط اساس کتابت را آسان می‌سازد و موجب نشر معارف در میان همگان خواهد شد. نظر ما این است که این اصلاح تأثیر مهمی در نشر معارف خواهد داشت و هیچ ربطی به امور دینی نخواهد داشت، زیرا رسم الخط در دوران اسلامی چندین بار دگرگون شده است و لذا پذیرش رسم الخط جدید هیچ محذور شرعی ندارد، بلکه فوائد و محسنات فراوان دارد. البته تحصیل رضایت عمومی به هنگام اصلاح و تغییر بسیار مشکل خواهد بود، چنان که خودش به آن اعتراف دارد، ولی در آینده با انتشار این رسم الخط فوائد مترتب بر آن مشاهده خواهد شد. فعلاً فقط اجازه داده شود که این رسم الخط به عنوان یکی از خطوط اسلامی مطرح شود و به این افتخار مفتخر گردد.»^۴

۱. ر.ک: استادی، «گاهشمار خط فارسی»، پیام بهارستان، شماره ۱۵. و نیز؛ استادی، «تاریخچه تغییر خط در ایران»، آیین پژوهش، شماره ۱۳۲.

۲. رسم الخط استفتانات و نامه‌ها - چنان که معمول و شیوه مجله پیام بهارستان است - به رسم الخط امروزی مصوب فرهنگستان برگردانده شد؛ البته این تغییرات منحصر در نوشتار حرف «پ» در این نامه‌ها به صورت «ب» و حرف «گ» به صورت «ک» و نیز برخی متصل‌نویسی‌ها بود (مثل بطور: به‌طور) که همه موارد به «پ»، «گ» و جدانویسی، اصلاح شد.

۳. این جمعیت به تقاضای خلیل بیگ، سفیر عثمانی در سن‌پترزبورگ و به فرمان سلطان، در ذی‌قعدة ۱۲۷۷ تأسیس شد. بزرگ‌ترین دستاورد جمعیت را انتشار مجموعه فنون دانسته‌اند. مجموعه فنون را نخستین مجله علمی به زبان ترکی دانسته‌اند که در آن مقالاتی در زمینه علوم طبیعی و اجتماعی و فنون منتشر می‌شد و به خوانندگان تصویری روشن از دستاوردهای علمی غرب ارائه می‌داد. متیف افندی، بنیانگذار این جمعیت، شیعه‌مذهب و علاقه‌مند به فرهنگ و ادب فارسی بود و در جمعیت نقش رهبر را داشت. او بیشتر بر جذب متفکران غرب‌گرا و ترویج علوم طبیعی تأکید می‌کرد. (ر.ک: استادی، فعالان اصلاح و تغییر خط؛ استادی، تاریخچه تغییر خط)

۴. ر.ک. به: آخوندزاده، سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه، نسخه خطی، کتابخانه سپهسالار.

۲. استفتاء از مراجع و علماء مشهد^۱

جناب میرزا یوسف خان مستشارالوزراء - که از رجال محترم ایران و این ایام در خراسان هستند - مکتوبی در ضمن لزوم اصلاح خط اسلامیان نوشته‌اند که این مکتوب مشتمل است بر صورت استفتائی که در این مطلب از علمای اعلام - اجل الله شأنهم - نموده و جوابی که از ایشان داده شده است^۲ و در این ضمن از ما و از رفقای ما که در این پای‌تخت هستند، ترویج این مطلب را خواسته‌اند؛ لهذا صورت همان مکتوب را در اینجا آورده، برای تمام کردن سخن نیز مترصد موقع آن خواهیم بود. (صورت کاغذ استفتا)

بر خاطر حقایق بین و ضمیر منبر دقایق آیین علمای اعلام و مروجین دین مبین اسلام - کثرت الله امثالهم - مستور و پوشیده نیست که ملل خارجه در امور دنیویه و عقل معاش و ترویج تمدن، بی‌حد و اندازه ترقی کرده و پیش افتاده‌اند و روز به روز به حالت ترقی و استیلاى خود می‌افزایند. اگر ما به نظر انصاف و مأل‌بینی به روش و رفتار دول فرنگستان نگاه کنیم، این معنی را با هزاران تعجب و حیرت تصدیق خواهیم کرد. و اگر حالت صد سال قبل از این آنها را با حالت حالیه‌شان موازنه کنیم، خواهیم دید که در ظرف این مدت به چه پایه ترقی کرده‌اند. لندن کجا است، کابل و قندهار کجا! پتربورگ کجا است، سمرقند و تاشکند کجا! به حکم عقل و انصاف و تجربه، این را انکار نمی‌توان کرد که این همه ترقیات و استیلاى ملل و دول خارجه از اهتمامات فوق‌العاده آنها است در امور تمدن و عقل معاش و تسهیل امور دنیویه و تجهیز لشکر و آبادی کشور و نظم ممالک و آسایش رعایا. و بدون اغراق علانیه می‌بینیم که جمع ملل اسلام را در اکثر امور دنیویه محتاج به خود کرده‌اند و احتیاجمان به ایشان به حدی به درجه افراط رسیده که اگر پیران ما می‌خواهند تلاوت قرآن مجید بکنند، عینک کار فرنگ را باید به چشم بگذارند؛ وقتی که می‌خواهم در اجرای آیین دینی وقت را بشناسیم، ساعت فرنگی را بنگاریم؛ اسباب روشنائی که جزو اعظم لوازم تمدن است، همه از آنها است؛ صنعت طبع کتب را از فرنگی‌ها اخذ کرده‌ایم. پیش از این یک طلبه برای تحصیل کتابی، مبلغ‌ها بایستی پول صرف کند؛ اکنون که به‌واسطه صنعت طباعت کتب فراوان و ارزان شده، با وجه قلیل هر قسم کتاب را می‌توانند تحصیل بکنند؛ و همچنین از آنها است کاغذهایی که در کتاب قرآن مجید و کتب دیگر استعمال می‌شود. صنعت آبله‌کوبی که پنجاه سال قبل از این در ایران معمول نبود و در هر سال چندین هزار از اطفال ما تلف یا معیوب می‌شدند و بعد از انتشار دادن نواب غفران‌مآب، عباس میرزا نایب السلطنه - طاب ثراه - این صنعت شریف گران‌بها را، در ایران صد یک سابق اطفال ایرانیان تلف و عینناک

۱. روزنامه اختر، سال ششم ۳ جمادی الآخر ۱۲۹۷، شماره ۲۲.

۲. چون در سال ۱۲۸۰ هجری در ماه صفر در علمیه اسلامبول مجلسی در انجمن دانش آنجا منعقد شده و دایر به اصلاح رسم خط گفتگوها به میان آمده و جناب منیف پاشا که از وزرای با فضل و هنر دولت علیه عثمانیه است، سلیقه مستقیمه خود را در این باب بیان و به حضور صدر اعظم آن عهد تقریراً تقدیم کرده‌اند، فلهاذا محض اینکه به علما و دانشمندان خطه شریفه اسلامبول که امروز مرکز دایره مدنیت اسلامی است ثابت و مبرهن گردد که علمای عظام ایران نیز ملتفت این نکته مهمه شده و همراهی تمام دارند، باقی کار مانده است به علو همت و عزم ملوکانه و رعیت پروری سلاطین با عز و تمکین اسلام. (روزنامه اختر)

نمی‌شوند، از فرنگی‌ها است. پنبه را از مایمکن به دو قران می‌خرند، چلوار و چیت و امثال ذلک ساخته، آورده می‌کنند به شصت قران به ما می‌فروشند. ابریشم را می‌کنند به شش تومان از ما می‌خرند، حریر و غیره بافته، به ایران آورده، می‌کنند از چهل الی صد تومان، بلکه زیاده‌تر، به ما می‌فروشد. پشم را می‌کنند به سه قران خریده بوده، ماهوت و سایر پارچه‌ها درست کرده، برمی‌گردانند می‌کنند چهل، بلکه پنجاه تومان به ما می‌فروشند. آهن را قلم‌تراش و مقرض و سایر اسباب‌ها ساخته، نیم مثقال آنها را به دو مثقال نقره به ما می‌فروشند. مختصر اینکه ما در کلیات و جزئیات خود را محتاج به آنها کرده‌ایم، حتی کفن اموات ما از کار آنها است.

در شهرهای ایران با وفور لبنیات، یک من پنیر را به چهار قران می‌خریم، اما فرنگی‌ها به سکه کار را به زور علم و صنعت سهل و آسان کرده‌اند. قند را از سه چهار دریای معظم و راه‌های بعید حمل کرده و در چند دولت باج داده، به ایران آورده، گمرک داده، در شهرهای ما به قیمت پنیر می‌فروشند. تلگراف که به واسطه آن با فرنگستان و چین و هندوستان و دنیای جدید مخابره می‌کنیم، از اختراعات حیرت‌آمیز آنها است. راه آهن و کشتی بخار که ده فرسنگ مسافت را در یک ساعت طی می‌کند، از هنر بدیع آنها است. کم مانده که کشتی هوایی را (بالون) تکمیل کرده، در یک ساعت پنجاه فرسخ راه طی بکنند. تصویر عکس و این همه انکشافات در نجوم و هندسه و ژغرافی و حکمت طبیعی و طب و جراحی و پیدا کردن ادویه و چندین ستاره‌های سیار و حالت تکون و خلقت طبقات ارض و صنایع لاتعد و لاتحصی، از جد و جهد آنها است. یکی در مشهد با دوست خود که در طهران است، گفتگوی تلگرافی می‌کند، به طوری که لحن و کلام و آواز همدیگر را می‌شناسند یا عکس خط و صورت و شمایل خود را در آن واحد از طهران به اسلامبول می‌رساند، به واسطه هنر تعجب‌انگیزه آنها است.

مسلم صاحبان دانش و انصاف است که این گونه ترقیات را در صنایع و علوم، هیچ جهت و سبب نیست، مگر خواندن و نوشتن به طور سهل و آسان در مدت قلیل که کمتر از ده سال نمی‌باشد، چنان‌که به رأی‌العین می‌بینیم اطفال فرنگستان را در هفت سالگی به مکتب‌ها و مدرسه داخل کرده، به خواندن و نوشتن وامی‌دارند. در ظرف هفت سال ثانی خواندن و نوشتن زبان اصلی خود را به علاوه صرف و انشا و ژغرافی و تاریخ و حساب و هندسه و نیز از مقدمات نجوم و حکمت طبیعی و شیمی و فن نقاشی و منطق و خطابت و علم معادن و طبقات ارض و نباتات و حیوانات و فقه خودشان و غیره شمه‌ای می‌آموزند. وقتی که به سن چهارده رسیدند، انسانی می‌شوند آراسته دارای چندین علم صاحب انواع فنون و بعد هر کس به مناسبت حالت و استعداد فطری خود سه چهار سال دیگر در یکی از این علوم و فنون خود را به درجه کمال رسانیده یا طبیب حاذق می‌شود یا مهندس ماهر یا منجم بصیر یا نقاش کامل یا فقیه دانا. وقتی که به سن نوزده و بیست می‌رسند، مردی می‌شوند آراسته و از همه جای دنیا آگاه و از صنایع خالق بی‌چون با خبر [و] دارای چندین علم و هنر و صاحب حرفت و صنعت مخصوص، به وجه اتم و اکمل.

سبب این مذکورات، ابتدا سهولت رسم خط آنها است که اطفالشان به این زودی در مدت قلیل، به این پایه جلیل می‌رسند و بعد وضع و نظم تدریس و تعلیم و تعلم آنها است که در نهایت درجه، سهل و آسان است و اطفال را کسل و بی‌غیرت و دل‌زده نمی‌کند. حال اگر بنده طرز و طور تعلیم و تدریس و کتابت آنها

را در این مختصر شرح و بسط بدهم، باعث اطالۀ کلام و موجب زحمت و تصدیع مطالعه کنندگان این اوراق خواهد شد. مقصود بنده این است که از خاطر حقانیت ذخایر علمای عظام این مطلب را استمزاج و استعمال کنم هر گاه خط حاضر ما طوری اصلاح بشود که در طبع کتب به اساس و صور و اشکال آنها تغییر عمده داده نشود، ولی در تعلیم اطفال نوآموز ما و تحصیل طلاب تسهیل و ترقی علانیه ظاهر بشود، مثلاً الآن که اطفال ما بعد از دو سال درس خواندن باز اکثری قرآن مجید را نمی‌توانند صحیح و بی‌غلط بخوانند، اما بعد از آن اصلاح در خط که مقصود ما است، در دو ماه هم قرآن مجید و هم سایر کتب و نوشته‌جات را در کمال صحت و درستی، بدون غلط بخوانند و نیز کتب مطبوعه ما، یعنی کتاب‌های باسمه و چاپی بدون یک غلط، در کمال صحیحی و پاکیزگی و ارزانی بیرون بیاید و اطفال ما در ظرف چهار پنج سال مراسله نوشتن را با اقسام چهارگانه حساب و ژغرافی و تاریخ و مقدمات سایر فنون و علوم نیز بهره‌یاب شوند و نیز در ضبط لغات عربی و فارسی محتاج به وزن و تعریف اعراب نشویم که هم باعث جسامت کتاب لغات می‌شود و هم موجب گرانی قیمت آنها و قرآن مجید و ادعیه شریفه را به کمال صحت و درستی قرائت کنیم و الفاظ و اصطلاحات خارجه را که در این عصر از استعمال آنها ناگزیریم، لیکن به علت عدم اعراب، همه را ناصحیح تکلم می‌کنیم و پس از اصلاحی که در نظر صاحبان این خیال عالی است، همه این معایب رفع خواهد شد. آیا در این صورت به آیین دین اسلام نقصی وارد خواهد آمد یا نه؟ با اینکه در بدو ظهور اسلام خط کوفی معمول بود و قرآن مجید با خط کوفی ثبت و ضبط شد، بعد حسن بن مقله آن را تغییر داده، خط نسخ حاضر را ابداع و اختراع کرد. پس از آن به تدریج خط نستعلیق و ثلث و شکسته و رقاع و غیر ذلک از آنها منشعب شد. در صورتی که ائمه و علمای سلف آن تغییر و اصلاح را جایز دانستند، این اصلاح را نیز که در عصر حاضر احتیاجمان به آن به اعلا درجه است و محسنات آن مسلم و آشکار علمای حاضر - کثرالله امثالهم - تجویز خواهند فرمود یا خیر؟ سؤال این بود که عرض شد؛ مستدعی جوابم.

این استفتاء به عرض حضرات علمای اعلام و مجتهدین کرام در مشهد رضا - علی جده و آبانه و علیه‌السلام - شرفیابی از حضور ایشان حاصل است رسیده، هر کدام شرحی مبسوط در جواز، بل رجحان این مطلب مرقوم و به خاتم شریف خودشان مختوم فرموده‌اند. از آن جمله جناب عالم نحیر و فاضل بی‌نظیر، حاجی میرزا نصرالله مجتهد^۱ مشهد است و جناب مستطاب حاجی میرزا ابراهیم علوی مجتهد

۱. حاج میرزا نصرالله مشهدی سه نفر، شناسایی شدند: متوفای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۸ و زنده در ۱۳۰۱ (اعلام الشیعه طهران).

حاج میرزا نصرالله مشهدی (تربتی) (متوفی ۱۲۹۸ ق.) وی مراتب فقه و حکمت را در خدمت حاج سید محمد حائری، حاج میرزا مسیح و ملا هادی سبزواری تکمیل کرد. (اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر کتاب المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۰) نام‌برده در علوم نقلی و عقلی و نیز ادبیان عرب نامور بوده و مردم خراسان او را به عنوان مرجعیت فتاوا و احکام فقهی پذیرفته بودند. از آثارش کتاب طهارت، کتاب بیع و حواشی متفرقه بر کتاب قوانین و کتاب فصول و جواب سؤالات فقهی را می‌توان برشمرد. (میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، نشر دیانت، مشهد، ۱۳۴۱).

سبزواری^۱ و جناب سلاله الاطهار آقا میرزا احمد^۲ و فخرالسادات و الافاضل حاجی میرزا باقر حسینی^۳ و فخر دودمان مصطفوی آقا میرزا محمد حسین امام جمعه اصفهان^۴ و جناب مستطاب عالم کامل محمد خان مجتهد کرمان^۵ - اجل الله شأنهم - و به خصوص جناب آقای کرمانی در این مطلب به طور کافی و مفصل شرح و بسط داده، ملتفت بودن خودشان را از نکات کار واضح و دلائل رجحان این امر را آشکار فرموده‌اند و فتوای جناب حاجی میرزا نصرالله که خلاصه فتاوی است، عیناً درج می‌شود. (صورت فتوی) (بعد از ذکر نام یزدان جهان آفرین)

تغییر در خط کتب یا اختراع خط جدید مطلقاً جایز است، بلا اشکال، بلکه هر گاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود، راجح خواهد بود. اگر کسی توهم کند که این تغییر تشبیه به اهل خارجه است و جایز نیست، این توهم ضعیف است، چون که این گونه تشبیهات حرام نیست، و الا استعمال سماور و... باید جایز نباشد.

(جای امضا و مهر جناب مستطاب حاجی میرزا نصرالله است)

۳. استفتاء از شیخ الاسلام قفقاز

... اطلاع حاصل کردیم^۶ که عالی‌جاه مومی‌الیه^۷ دو نسخه از رساله مذکور را خدمت جناب مستطاب عمدة‌العلماء و المجتهدین مرجع الاسلام و المسلمین آقای شیخ الاسلام قفقاز فرستاده، رساله مذکور در نظر انور حقایق منظر آن جناب - اطال الله بقاء - موقع حسن قبول یافته، لزوم اصلاح الفبای اسلام را به موجب تعلیقه که به عالی‌جاه مومی‌الیه مرقوم داشته، تصدیق... فرموده‌اند. سواد تعلیقه آن جناب را که در این خصوص مرقوم فرموده‌اند، از جای معتبری به اداره اختر رسیده بود، اینک در ذیل عیناً صورت آن را

میرزا نصرالله مشهدی شیرازی (۱۲۹۰ق.) شرح احوال وی در «فردوس التواریخ» و جلد دوم «مطلع الشمس» و «المآثر» به نظر رسیده، و از آنها چنین برآید: وی در فنون مسموع و معقول و علوم فروع و اصول از اساتید و فحول معدود بوده، و در تقوا مقامی سامی داشته، و اصلاً از شیراز و از آنجا به خراسان قدم گذاشته و در مشهد توطن نموده و در آستانه مقدسه تدریس می‌کرده، بلکه اول مدرّس آن عتبة علیه بوده، و در بسیاری از علوم تألیفات نیکو نموده. میرزا نصرالله از شیخ انصاری و فاضل دربندی اجازه داشته، و در زهد و ورع وی اخباری می‌گفته‌اند. ر. ک: حبیب آبادی، مکارم الآثار (در احوال رجال دوره قاجار)، مصحح محمد علی روضاتی، اصفهان، تاریخ نشر هر جلد مختلف است.

۱. میرزا ابراهیم سبزواری، متوفای حدود ۱۳۱۶ (اعلام الشیعه) و از شاگردان شیخ انصاری و از مراجع بزرگ است.
۲. میرزا احمد، شناخته نشد.
۳. میرزا باقر، شناخته نشد.
۴. میرزا محمد حسین خاتون آبادی، امام جمعه اصفهان متوفای ۱۲۹۸. گفته شده عالم موجهی نبوده است. (ر. ک: اصفهانی، علی جناب، رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان ۱۳۸۵).
۵. محمد خان کرمانی، متوفای ۱۳۲۴. رئیس شیخیه آن زمان در کرمان.
۶. روزنامه اختر، سال هفتم ۱۹ صفر ۱۲۹۸، شماره ۵.
۷. آقا میرزا رضا نایب و ترجمان جنرال قونسولگری دولت علیه ایران مقیم تفلیس.

می‌نویسم. (صورت مکتوب)

[به خدمت آقا میرزا رضا نایب و مترجم جنرال قونسولگری اعلا حضرت شاهنشاه ایران در تفلیس]
مکتوب شریف آن جناب با دو نسخه از رساله‌ای که در خصوص اصلاح حروف هجا، یعنی الفبای مسلمانان مرقوم و مطبوع و مرسولم فرموده بودند، وصولم گردید؛ آن را از اول تا آخر ملاحظه کردم. این معلوم است که موافق قواعد هندسی، هر قسم شکل نقشی بر کیفیت ممیزه که عارض صورت انسانی می‌شود، می‌توان داد و نقوشی که آن جناب به قلم آورده است، الآن جمیع آنها در خطوط اهل اروپا بعضی در بعضی موجود و مستعمل است. فی الحقیقه اشکال نقوش علی‌هذه لزومیت ندارد و همان نقوش به خط الفبائی بسیار مناسب دارد، اما دلایلی که در باب لزوم اصلاح الفباء مسلمانان اقامه فرموده بودند، مرا بسیار خوش آمد و مسرورم ساخت و بر آن فخر و مباهات کردم و به خیال آن جناب تشکر نمودم که مطالب را خوب فهمیده است بالکلیه در آن خیال با آن جناب شریکم، لکن چه فائده اولاً احاد ملت ما عموماً و ثانیاً علمای ملت ما خصوصاً در میان نقوش و الفاظ و معانی فرق نگذاشته، بلکه همه را یک چیز اعتبار کرده‌اند. به مجرد اینکه اشکال حروف و صورت نقوش آنها تغییر یافت، فریاد می‌زنند که دین از دست رفت و مذهب نابود گشت، قرآن و کتاب تغییر یافت و نمی‌دانند که الفاظ و معانی قرآن و کتاب تغییر نیافته است، بلکه آنچه تغییر یافته است، همین اشکال نقوش حروف است. الفاظ و معانی چیز دیگر و صورت و اشکال حروف چیز دیگر است. تغییر نقوش حروف مستلزم تغییر الفاظ و معانی نیست. موافق شرع انور به تغییر الفاظ و معانی راهی نیست، ولی اشکال و حروف به هر طور نوشته شود، الفاظ و معانی در جای خود باقی است و هرگز با شرع انور مخالفت ندارد. چه چاره با همه اینها یا ندانسته یا نفهمیده و یا عمداً همان فریاد را خواهند زد، چه توقع می‌توان کرد از یک قومی که جسد بی‌روح باشند. وای بر احوال ملتی که لام آن منقلب به یا شده است. و مرگ باد بر آن علما که عین آن منقلب به ظا است؛ والسلام.
(امضا) (شیخ الاسلام آخوند احمد حسین زاده)

۴. آیت الله العظمی بروجردی

جمله‌ای منصوب به آیت‌الله بروجردی در نوشته‌های مختلف، بدون ذکر منبع موجود است:
«هدف اینان از تغییر خط، دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده‌ام اجازه نمی‌دهم این کار را عملی کنند. به هر جا که می‌خواهد منتهی شود»
پیگیری فراوانی صورت گرفت، اما منبعی برای آن شناخته نشد. حتی از نوه ایشان، حضرت حجت‌الاسلام علوی طباطبایی، نیز پرسیده شد؛ ایشان نیز با ذکر همان مطلب، فرمودند که منبع و مرجعی برای آن نمی‌دانند. تنها منبعی که به ذکر این مطلب اشاره دارد، یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۸ آبان ۳۸ است که مأمور ساواک گزارشی را از قول حجت‌الاسلام فلسفی نقل کرده است که در آن پیرامون همین موضوع، سخنی ذکر شده است:

«محمد تقی فلسفی، واعظ معروف، می‌گفت چون کلیه کتب و آثار دینی از صدر اسلام تاکنون با خط

عربی و فارسی فعلی نوشته شده، چنانچه بخواهند تغییر خط را در ایران عملی سازند، با مخالفت شدید مراجع مذهبی روبه‌رو خواهند شد. فلسفی گفته موضوع تغییر احتمالی خط به اطلاع آیت الله بروجردی نیز رسیده و ایشان هرگز حاضر نیستند در حوزه‌های علمیه خط لاتین جانشین خط فارسی که تشابه کامل به خط عربی دارد، گردد و در موقع خود روحانیون اقدامات شدید و مؤثری علیه نهضت جدید تغییر خط شروع خواهند نمود.^۱

۵. فتوای علماء اهل تسنن

حکم کتابة القرآن الکریم بغير اللغة العربية

أصدر المجلس الأوربي للإفتاء والبحوث، في نهاية أشغال دورته العادية الثامنة عشرة، التي عقدها بالعاصمة الفرنسية باريس من ۱ إلى ۵ يوليو الجاري، فتوى حرّم بموجبها كتابة النصّ القرآني بغير الحرف العربي. واعتبر المجلس أنّ نصّ القرآن الکریم الذي أنزله الله على رسوله محمد صلى الله عليه وسلم باللغة العربية، لا يمكن أن ينطق بشكل سليم، إلا إذا كتب باللغة العربية، نظرا لخصوصيات هذه اللغة في نطق الحروف و مخارجها.

وقال المجلس إنّ كتابة القرآن، أو حتى آية منه، بالحرف اللاتيني أو غيره من الحروف الأخرى غير العربية، يجعل النطق به محرّفاً، بل مخالفاً أو حتى مناقضاً إلى معنى نصّه الأصلي، وهو ما يوجب الحيلة البالغة في كتابة كلام الله تعالى بالشكل الذي أنزل به. واستثنى المجلس من ذلك حالات تعلم القرآن لغير العرب من المسلمين، في مرحلتهم الأولى، ولفترة قصيرة وجدّ محدّدة، ريثما يتيسّر لهم تعلّم النطق بالحروف العربية وحفظ ما تيسّر من القرآن للصلاة، واشترط في ذلك أن تكون تلك النصوص مصحوبة بالنطق العربي، وأن تمحي حال الإنتهاء منها.

وكان الشيخ صالح العود، أحد علماء المسلمين المقيمين في باريس، وصاحب أول مدرسة إسلامية في فرنسا، قد تقدّم للمجلس ببحث واف في الموضوع، بيّن فيه مخاطر انتشار مصاحف كتب فيها النصّ القرآني بالحرف اللاتيني، على أبناء المسلمين في أوروبا.

وقال الشيخ العود في كلمته التي قدّم بها بحثه، إنّ كتابة النصّ القرآني بالحرف اللاتيني، بدأت بكتب تعليم الصلاة باللغة الفرنسية، ضمّت كتابة سورة الفاتحة، بالنطق العربي و مكتوبة بالحرف اللاتيني. ثم تطوّر الأمر إلى الفاتحة وقصار السور، ثم طباعة ما اعتبره هؤلاء مصحفاً يحمل جزئي عمّ و تبارك، و انتهى إلى طباعة القرآن كاملاً.

و أوضح فضيلته أنّ هذا العمل، إضافة إلى أنّه يقدم نصّاً لكتاب الله مشوّهاً في طريقة نطقه، ما يجعل معانيه محرّفة و مسيئة لكتاب الله العزيز، فإنّه أيضا يصرف المسلمين عن لغة القرآن، و ينأى بهم عن مصادر فهم دينهم وثقافتهم. و أوضح الشيخ العود أنّ تعلّم العربية من تعلّم الدين لأنّ اللغة العربية هي

۱. فلسفي، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفي.

«اللسان» لقراءة القرآن، وفهم الدين، وأداء الفرائض، وإقامة الشعائر، وهذه هي قناعة رسول الله وأصحابه، والتابعون لهم بإحسان، بل ويجب أن تكون قناعة كل مسلم عربي أو أعجمي في كل مكان وزمان. وأضاف: هاهو الخليفة الثاني عمر بن الخطاب... - كما يروى ابن أبي شيبه عن عمر بن يزيد - أنه قال: كتب عمر بن الخطاب إلى أبي موسى الأشعري: أما بعد، فتفقهوا في السنة، وتفقهوا في العربية. وفي رواية أخرى له عن عمر أنه قال: تعلموا العربية فإنها من دينكم. وأضاف: يتساءل البعض: هل نُعَرَّب أم نُعَرَّب؟ أجيب سريعاً وأقول: نُعَرَّب اللسان، ولا نُعَرَّب القرآن.

واستدل الشيخ العود برسائل الرسول صلى الله عليه وسلم حين راسل الملوك والعظماء: يدعوهم إلى الإسلام، ويبيّن لهم الشرائع والأحكام، وقد كان منهم «عرب» و «عجم»، ومع ذلك لم يكتب لهم آية واحدة بلغاتهم، مع وجود من يترجم له مثل أبي، وسلمان، وصهيب، وغيرهم. فما هو السبب يا ترى؟ في حين أنهم أعداء له ولدينه، وأنه قد يخشى منهم أن لا يهتموا بقراءة مكاتبي به؟ وأجاب على ذلك بما أورده الإمام الحافظ أحمد بن حجر العسقلاني في كتابه (فتح الباري في شرح صحيح البخاري) فيقول: «ليس من سبب سوى أن يسلبهم على تعليمه، ولا سبيل إلى ذلك إلا العربية، فكانه عليه السلام حملهم على تعلمها، حتى يفهموا ما جاءهم من عنده من بيان وقرآن».

وخلص الشيخ العود، إلى أن «أخطر هجمات الغزو الفكري الحديث ضدنا، حين يصل الحال إلى كتابة القرآن الكريم بالحرف اللاتيني عوضاً عن الحرف العربي، وتبني هذه الفكرة الغاشمة من أمكر الوسائل الخبيثة والحاقدة نحو أعظم مقدّسات الإسلام». وقال إن فكرة استبدال الحروف العربية بالحروف اللاتينية في كتابة النص القرآني، «مؤامرة دينية» على نص القرآن المقدّس، تستهدف «مصحف المسلمين» في أرجاء العالم، لتجرّده من أعظم خصائصه التي أنزله الله بها، وتستبدل الرسم العثماني الخالد، الذي كتب به منذ ما يزيد على أربعة عشر قرناً، والمجمع عليه عند جمهرة أئمة الدين، بحروف قاصرة غير عربية.

وقدّم الشيخ العود سرداً للمصاحف التي طبعت بغير الحرف العربي، وبيعت في الأسواق، ثم أتبعها بمواقف كبار العلماء والهيئات العلمية والشرعية التي تحرّم ذلك بشكل قطعي، من أهمها قرار هيئة كبار العلماء في المملكة العربية السعودية رقم ٦٧ بتاريخ ١٠/٢١/١٣٩٩هـ في دورتها الرابعة عشرة، والذي قضى بالإجماع بتحريم كتابة القرآن بالحروف اللاتينية أو غيرها من حروف اللغات الأخرى. وكذلك قرار مجمع الفقه الإسلامي بمكة المكرمة، الذي صدر بتاريخ ١٠/٢١/١٣٩٩هـ الذي أكد نفس الموقف الشرعي، وكذلك مجمع البحوث الإسلامية بالقاهرة.

وتداول الكلمة أعضاء المجلس، فأكد الشيخ الخمار البقالي، رئيس هيئة الأئمة في هولندا، مخاطر هذه الكتابة، من خلال تجربته في تحفيظ القرآن الكريم في هولندا، مثل قولهم «كلا سيالمون» بدل «كلا سيعلمون»، و «أنامت أليهم» بدل قوله تعالى «أنعمت عليهم». وقال إن مخاطر هذه الكتابة واضحة على أبناء المسلمين ولا بدّ من وقفة تجاهها. وأكد جميع المتحدثين هذا المعنى. لكن الشيخ عبد الله الدعيح (إيرلندا) نبّه إلى ضرورة استثناء الحاجة التعليمية، لأنّ بعض المسلمين من غير العرب

يصعب عليهم جدًا حفظ ما تيسر من القرآن انطلاقًا من اللغة العربية، بهدف أداء فريضة الصلاة، و من الحكمة مراعاة حالاتهم، استثناء.

و قال الشيخ يوسف القرضاوى إنّ فتح الباب لكتابة القرآن بالحرف غير العربى، يفتح باب فتنة خطيرة، و أكد أنّ الحكم فى هذه الكتابة التحريم، و أنّ طباعة هذه المصاحف حرام، و حرام كذلك بيعها و الإتجار فيها، و طلبها و توزيعها، و أنّ المطلوب إحراق ما طبع منها و إتلافه، و إزالتها من الأسواق تماما. و استثنى من التحريم، ما تقتضيه الضرورة التعليمية، لجزء يسير من القرآن، على أن يكون ذلك مصحوبا و جوبا، بنفس النصّ القرآنى منطوقا بالعربية، و قد يسّرت الوسائل التقنية الشائعة هذا، و جعلته فى متناول عموم الناس. و هذا ما انتهى إليه المجلس فى قراره الختامى، بعد مناقشة مستفيضة للموضوع. / المصدر موقع الفقه الإسلامى

تحريم كتابة القرآن الكريم بحروف غير عربية أعجمية أو لاتينية

السؤال الاول... هل يجوز كتاب القرآن الكريم بالرسم الحالى (النسخة - الرقعة - الكوفى)

فمثلا نكتب كلمة (الصلوة) حسب الرسم العثمانى نكتبها هكذا (الصلاة) بالرسم الحالى فمثلا نكتب كلمة (السموت) حسب الرسم العثمانى نكتبها هكذا (السموات) بالرسم الحالى فمثلا نكتب كلمة (ثلث وربع) سورة فاطر آية ١ حسب الرسم العثمانى نكتبها هكذا (ثلاث وربع) بالرسم الحالى.

السؤال الثانى... هل يجوز ان نكتب القرآن الكريم باللغة اللاتينية.. لتسهيل النطق والحفظ للاجانب

مثال ١: «تبت يدا ابي لهب و تب» نكتبها هكذا "tabat yda abi lahab watab"

مثال ٢: «اذا جاء نصر الله و الفتح» و نكتبها هكذا "eza ja naser allah wa al fath" -

فى سورة النجم آيه «وأنه هو أغنى وأقنى» سورة النجم آية ٤٨ فهناك فرق بين «أغنى» و «أقنى» و فى هذه الحالة كيف تكتب هذه الكلمة باللغة اللاتينية مع أن الفرق بينها كبير... على العموم... أفتى العلماء بالتحريم... على المسألتين الاولى و الثانية.

وافقت هيئة كبار العلماء فى المملكة العربية السعودية

١. و اليكم التفصيل... روى السخاوى بسنده: أنّ مالكا... سئل: رأيت من استكتب مصحفا، أترى أن يكتب على ما استحدثه الناس من الهجاء اليوم؟ فقال: لا أرى ذلك، ولكن يكتب على الكتابة الأولى. قال السخاوى: و الذى ذهب إليه «مالك» هو الحق، إذ فيه بقاء الحالة الأولى إلى أن تعلمها الطبقة الأخرى، و لا شك أنّ هذا هو الأخرى بعد الأخرى، إذ فى خلاف ذلك تجهيل الناس بأولية ما فى الطبقة الأولى. و قال أبو عمرو الدانى: لا مخالف لمالك من علماء الأمة فى ذلك. و قال أبو عمرو الدانى - أيضا -: سئل مالك عن الحروف فى القرآن مثل الواو والألف، أترى أن يغير من المصحف إذا وجد فيه كذلك؟ قال: «لا» قال أبو عمرو: عنى الألف الواو المزدتين فى الرسم، المعدومتين فى اللفظ نحو: (أولوا). قال الإمام أحمد بن حنبل: تحرم مخالفة خط مصحف عثمان فى واو أو ألف أو يا، أو غير ذلك "جاء فى المحيط البرهانى فى فقه الحنفية ما نصه: «إنه ينبغي ألا يكتب المصحف بغير الرسم العثمانى و جاء فى حواشى المنهاج فى فقه الشافعية ما نصه: كلمة (الربا) تكتب بالواو و الألف، كما جاء فى الرسم العثمانى، و لا تكتب فى القرآن بالياء أو الألف، لأن رسمه سنة متبعة.

بعد دراسة الموضوع و مناقشته و تداول الرأى فيه، قرر المجلس بالإجماع: تحريم كتابة القرآن بالحروف اللاتينية، أو غيرها من حروف اللغات الأخرى، و ذلك للأسباب التالية:

إن القرآن قد نزل بلسان عربى مبين، حروفه و معانيه، قال تعالى:

۱. {إِنَّهُ لَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ} {نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ} {عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ} {بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ} و المكتوب بالحروف اللاتينية لا يسمى قرآنا، لقوله تعالى: {وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا} و قوله: {لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ}.

۲. إن القرآن كتب حين نزوله، و فى جمع أبى بكر، و عثمان،... إياه بالحروف العربية، و وافق على ذلك سائر الصحابة... و أجمع عليه التابعون، و من بعدهم إلى عصرنا، رغم وجود الأعاجم، و ثبت عن النبى - صلى الله عليه و سلم - أنه قال: «عليكم بسنتى و سنة الخلفاء الراشدين المهديين».

۳. فوجبت المحافظة على ذلك، عملا بما كان فى عهده - صلى الله عليه و سلم - و خلفائه الراشدين،... و عملا بإجماع الأمة.

۴. إن حروف اللغات من الأمور المصطلح عليها، فهى قابلة للتغيير مرات بحروف أخرى، فيخشى إذا فتح هذا الباب أن يفضى إلى التغيير كلما اختلف الاصطلاح، و يخشى أن تختلف القراءة تبعاً لذلك، و يحصل التخليط على مر الأيام، و يجد عدو الإسلام مدخلا للطعن فى القرآن للاختلاف و الاضطرابات، كما حصل بالنسبة للكتب السابقة، فوجب أن يمنع ذلك محافظة على أصل الإسلام، و سدا لذريعة الشر و الفساد.

۵. يخشى إذا رخص فى ذلك أو أقر: أن يصير القرآن ألعوبة بأيدي الناس، فيقترح كل أن يكتبه بلغته، و بما يجد من اللغات، و لا شك أن ذلك منار اختلاف و ضياع، فيجب أن يسان القرآن عن ذلك صيانة للإسلام و حفظا لكتاب الله من العبث و الاضطرابات.

۶. إن كتابة القرآن بغير الحروف العربية يشط المسلمون عن معرفة اللغة العربية، التى بواسطتها يعبدون ربهم، و يفهمون دينهم، و يتفقهون فيه، هذا و بالله التوفيق، و صلى الله على محمد و آله و صحبه و سلم. / و قد وجه سؤال إلى سماحة الشيخ عبد العزيز بن باز الرئيس العام لإدارات البحوث العلمية، هذه الفتوى الصادرة عن الهيئة فى دورتها الرابعة عشر بالطائف، فى شوال (۱۳۹۹) هـ

هيئة كبار العلماء فى المملكة العربية السعودية

بعد دراسة الموضوع و مناقشته و تداول الرأى فيه، تبين للمجلس أن هناك أسبابا تقتضى بقاء كتابة المصحف بالرسم العثمانى، و هى:

۱. ثبت أن كتابة المصحف بالرسم العثمانى، كانت فى عهد عثمان... و أنه أمر كتبة المصحف أن يكتبوه على رسم معين، و وافقه الصحابة، و تابعهم التابعون، و من بعدهم إلى عصرنا هذا. و ثبت أن النبى - صلى الله عليه و سلم - قال: «عليكم بسنتى و سنة الخلفاء الراشدين المهديين» فالمحافظة على كتابة المصحف بهذا الرسم هو المتعين، اقتداء بعثمان و على، و سائر الصحابة، و عملا بإجماعهم.

۲. إن العدول عن الرسم العثماني، إلى الرسم الإملائي الموجود حالياً، بقصد تسهيل القراءة! يفضى إلى تغيير آخر إذا تغير الاصطلاح في الكتابة، لأن الرسم الإملائي نوع من الاصطلاح، قابل للتغير باصطلاح آخر، وقد يؤدي ذلك إلى تحريف القرآن بتبديل بعض الحروف أو زيادتها أو نقصها، فيقع الاختلاف بين المصاحف على مر السنين، و يجد أعداء الإسلام مجالاً للطعن في القرآن الكريم، و قد جاء الإسلام بسد ذرائع البشر، و منع أسباب الفتن.

۳. ما يخشى من أنه إذا لم يلتزم الرسم العثماني في كتابة القرآن: أن يصير كتاب الله ألعوبة بأيدي الناس، كلما عنت لإنسان فكرة في كتابته اقترح تطبيقها، فيقترح بعضهم كتابته باللاتينية أو غيرها، وفي هذا ما فيه من الخطر، ودرء المفسد أولى من جلب المصالح. و بناء على هذه الأسباب، اتخذ المجلس القرار التالي. يرى مجلس هيئة كبار العلماء: أن يبقى رسم المصحف على ما كان بالرسم العثماني، و لا ينبغي تغييره ليوافق قواعد الإملاء الحديثة، محافظة على كتاب الله من التحريف، و اتباعاً لما كان عليه الصحابة، و أئمة السلف... و الله موفق، و صلى الله على نبينا محمد. / و وجه سؤال إلى مجلس البحث الفقهي بلندن، فأرسل هذه الفتوى مشكوراً، و هي برقم (۷۱) و بتاريخ (۲۱ / ۱۰ / ۱۳۹۹) هـ

مجلس المجمع الفقهي الإسلامي مكة المكرمة

إن مجلس المجمع الفقهي الإسلامي قد اطلع على خطاب الشيخ هاشم وهبة عبد العال من جدة، الذي ذكر فيه موضوع «تغيير رسم المصحف العثماني إلى الرسم الإملائي» و بعد مناقشة هذا الموضوع من قبل المجلس و استعراض قرار هيئة كبار العلماء بالرياض رقم (۷۱) و تاريخ (۲۱/۱۰/۱۳۹۹) هـ الصادر في هذا الشأن، مما جاء فيه من ذكر الأسباب المقتضية بقاء كتابة المصحف بالرسم العثماني: قرر بالإجماع تأييد ما جاء في قرار مجلس هيئة كبار العلماء في المملكة العربية السعودية من عدم جواز تغيير رسم المصحف العثماني، و وجوب بقاء رسم المصحف العثماني على ما هو عليه، ليكون حجة خالدة، على عدم تسرب أي تغيير أو تحريف في النص القرآني، و اتباعاً لما كان عليه الصحابة، أئمة السلف...

أما الحاجة إلى تعليم القرآن، و تسهيل قراءته على الناشئة التي اعتادت الرسم الإملائي الدارج، فإنها تتحقق عن طريق تلقين المعلمين، إذ لا يستغنى تعليم القرآن في جميع الأحوال عن معلم، فهو يتولى تعليم الناشئين قراءة الكلمات التي يختلف رسمها في المصحف العثماني عن رسمها في قواعد الإملاء الدارجة، و لا سيما إذا لوحظ أن تلك الكلمات عددها قليل، و تكرار ورودها في القرآن كثير، ككلمة: (الصلوة) و: (السموات) و نحوهما، فمتى تعلم الناشئ الكلمة بالرسم العثماني، سهل عليه قرائتها كلما تكررت و المصحف، كما يجري مثل ذلك تماماً في رسم كلمة (هذا)، و (ذلك) في قواعد الإملاء الدارجة أيضاً.

و الله ولي التوفيق، و صلى الله على سيدنا محمد النبي الأمي، و على آله و صحبه و سلم تسليمًا كثيراً.

وزارة العدل - دار الإفتاء جمهورية مصر العربية

للإجابة على السؤال و هو: ما مدى جواز كتابة النص القرآني بالحرف اللاتيني تيسيرا لغير العرب؟
توقف الجواب على هذا السؤال على معرفة الإجابة عن سؤال آخر و هو: هل الرسم العثماني للمصحف توقيفي، و هل يجب الالتزام به أم لا؟ ذهب جمهور العلماء إلى أن رسم المصحف توقيفي، لا تجوز مخالفته - و استدلووا بأدلة كثيرة منها: أن النبي - صلى الله عليه و سلم - كان له كتاب يكتبون الوحي، و قد كتبوا القرآن الكريم فعلا بهذا الرسم، و أمرهم الرسول على كتابته، و مضى عهده - صلى الله عليه و سلم - و القرآن على هذه الصورة، و لم يحدث فيه تغيير ولا تبديل - بل ورد أنه - صلى الله عليه و سلم - كان يضع الدستور لكتاب الوحي في رسم القرآن و كتابته - و الكتيب الذي أرفق - بطلب مركز التربية الإسلامية بفرنسة - عظيم في هذا الشأن، و تؤيد ما جاء به، و خاصة قرار مجلس المجمع الفقهي الإسلامي المنعقد في مكة المكرمة، في تاريخه، و الذي قرر بإجماع أعضائه ما جاء في قرار مجلس هيئة كبار العلماء في المملكة العربية السعودية: عدم جواز تغيير رسم المصحف العثماني، و يجب بقاء رسم المصحف العثماني على ما هو عليه ليكون حجة خالدة على عدم تسرب أي تغيير تحريف في النص القرآني، و اتباعا لما كان عليه الصحابة، و أئمة السلف... و يجب على من يعتنق الإسلام: أن يجتهد قدر وسعه، و يبذل طاقته لتعلم اللغة العربية، ما تيسر له، حتى يستطيع أن يقرأ ما تصح به الصلاة بالعربية، و إن وجد صعوبة في باقي الفروع فلا بأس من ترجمة المعاني، أي: تفسير النص القرآني و ترجمته إلى غير العربية حفاظا على جمال «القرآن الكريم» و كماله و بلاغته و إعجازه. / و الله ولي التوفيق.

مفتي جمهورية مصر العربية سيد محمد طنطاوي

لجنة الفتوى في الأزهر جمهورية مصر العربية

سئلت لجنة الفتوى في الأزهر عن: كتابة القرآن بالحروف اللاتينية؟
فأجابت: بعد حمد الله، و الصلاة و السلام على رسوله، بما نصه: لا شك أن الحروف اللاتينية المعروفة، خالية من عدة حروف توافق العربية، فلا تؤدي جميع ما تؤديه الحروف العربية، فلو كتب القرآن الكريم بها على طريق النظم العربي - كما يفهم من الاستفتاء - لوقع الإخلال و التحريف في لفظه، و يتبعهما تغير المعنى و فساده، و قد قضت نصوص الشريعة بأن يسان القرآن الكريم من كل ما يعرضه للتبديل و التحريف، و أجمع علماء الإسلام - سلفا و خلفا - على أن كل تصرف في القرآن يؤدي إلى تحريف في لفظه، أو تغيير في معناه: ممنوع منعا باتا، و محرم تحريما قاطعا، و قد التزم الصحابة... و من بعدهم إلى يومنا هذا: «كتابة القرآن بالحروف العربية».

أوردها الشيخ محمد عبد العظيم الزرقاني في كتابه: مناهل العرفان، ج ٢، ص ١٣٤، ط دار الفكر،

محيلا على المجلد السابع من مجلة الأزهر، ص ٤٥.

لجنة من أفاضل علماء الأزهر بمصر

شكملت لجنة ضمت نخبة من أفاضل علماء الأزهر لوضع تفسير عربي دقيق، تمهيدا لترجمته بواسطة لجنة فنية مختارة، تنفيذًا لقرار مجلس الوزراء المصري المنعقد في (١٦ أبريل ١٩٣٦) بناء على ما رفعه إليه فضيلة شيخ الأزهر في ذلك الوقت هذه اللجنة كان أول ما وضعته من ضوابط وتحفظات، ما جاء في البند الأول من قرارها و هو عدم جواز كتابة القرآن الكريم بحروف غير عربية حذرا من التحريف في لفظه العربي عن بحث: «ترجمة القرآن بين الحظر والإباحة» لفضيلة شيخ الأزهر الشيخ جاد الحق

وزارة الأوقاف والشؤون والمقدسات الإسلامية - دائرة الإفتاء العام - عمان/الأردن

فإن مما لا شك أن الحروف اللاتينية المعروفة خالية من عدة حروف توافق العربية؛ فلا تؤدي جميع الحروف العربية مثل: (القاف، والحاء، والخاء، والعين، والضاد، والطاء، والظاء) فلو كتب القرآن الكريم بالحروف اللاتينية، على طريقه النظم العربي، لوقع الإخلال والتحريف في لفظه، وتبعها تغير المعنى وفساده وقد قضت نصوص الشريعة الإسلامية بأن يسان القرآن الكريم عن كل ما يعرضه للتبديل والتحريف: قال الله تعالى: {إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ} وقال الله تعالى: {لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ}

وقال تعالى: {نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ} {عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ} {بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ}

وقال تعالى: {إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ}

وقال تعالى: {قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ}

فلا عوج فيه، لا من حيث اللفظ والنظم، ولا من حيث المعنى

بذلك أجمع علماء الإسلام - سلفا و خلفا - على أن كل تصرف في القرآن الكريم يؤدي إلى تحريف لفظه أو تغيير في معناه: ممنوع منعا باتا، و محرم تحريما قاطعا و قد التزم الصحابة... و من بعدهم إلى يومنا هذا: كتابة القرآن الكريم بالحروف العربية. و من هذا تبين بوضوح: أن كتابة القرآن الكريم بالحروف اللاتينية المعروفة، أو بحروف اللغات الأخرى: لا تجوز و الله تعالى أعلم / كاه علوم آسانی و مطالعات قرآنی المفتی العام عز الدين الخطيب التميمي

وجه السؤال إلى مجلس المنظمات و الجمعيات الإسلامية بالأردن، فأحالوه إلى دائرة الإفتاء.

وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - الهيئة العامة للفتوى - الكويت

لا يجوز كتابة القرآن الكريم (المصحف) بغير اللغة العربية، و بغير الرسم العثماني؛ حتى ولو كان بقصد تيسير قراءة القرآن الكريم لغير العرب، أو للمسلمين الجدد، لما يترتب على ذلك من تحريف للقرآن الكريم، و تبديل بعض الحروف، و لأنه كتب بالرسم العثماني، الذي يستوعب القراءات السبع كلها، و سدا للذرائع، و صيانة للقرآن الكريم من محاولات التغيير و التبديل، التي يحرص عليها أعداء الإسلام، و الله أعلم، و صلى الله على نبينا محمد، و على آله و صحبه و سلم / مدير مكتب الإفتاء مشعل مبارك

الصباح وجهنا السؤال إلى الهيئة الخيرية العالمية الإسلامية، فأحالته إلى الهيئة العامة للفتوى.

السؤال^١

يوجد شئ اسمه كتابة لغة بحروف لغة أخرى و هو عبارة عن كتابة القرآن بالانجليزية كمثل: هل يجوز إعطاء الكافر نسخه من هذا؟ و هل يجوز مسه؟ أم حكمه كحكم المصحف العادي؟

الإجابة^٢

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صحبه أما بعد:
فلا تجوز كتابة القرآن بغير الحروف العربية، لما اتفق عليه العلماء من أهل المذاهب الأربعة من وجوب المحافظة على الرسم العثماني، سئل مالك رحمه الله: هل يكتب المصحف على ما أحدثه الناس من الهجاء، فقال: لا إلا على الكتابة الأولى.

قال بعض أئمة القراء و نسبته إلى مالك لأنه المسؤال و إلا فهو مذهب الأئمة الأربعة. نقل ذلك الإمام ابن حجر الهيتمي في فتاويه، و ابن حجر هذا ذهب إلى تحريم كتابة القرآن بالعجمية و لو كان لمصلحة التعليم، قال رحمه الله: و إذا وقع الإجماع كما ترى على منع ما أحدث الناس اليوم من مثل كتابة الربا بالألف مع أنه موافق للفظ الهجاء فمنع ما ليس من جنس الهجاء أولى... و زعم أن كتابته بالعجمية فيها سهولة للتعليم كذب مخالف للواقع و المشاهدة فلا يلتفت لذلك.

و لا شك أن فتح الباب أمام كتابة القرآن بغير العربية قد يؤدي إلى تحريف القرآن و تبديله، قال الزرقاني في كتابه القيم مناهل العرفان، ج ٢، ص ٩٦: و نسترعى نظرك إلى أمور مهمة، أولها أن علمائنا حظروا كتابة القرآن بحروف غير عربية، و على هذا يجب عند ترجمة القرآن بهذا المعنى إلى أية لغة أن تكتب الآيات القرآنية إذ كتبت بالحروف العربية كيلا يقع إخلال و تحريف في لفظه فيتبعهما تغير و فساد في معناه، سئلت لجنة الفتوى في الأزهر عن كتابة القرآن بالحروف اللاتينية فأجابت بعد حمد الله و الصلاة و السلام على رسوله بما نصه: لا شك أن الحروف اللاتينية المعروفة خالية من عدة حروف توافق العربية فلا تؤدي جميع ما تؤديه الحروف العربية، فلو كتب القرآن الكريم بها على طريقة النظم العربي كما يفهم من الاستفتاء لوقع الإخلال و التحريف في لفظه و يتبعهما تغير المعنى و فساد، و قد قضت نصوص الشريعة بأن يسان القرآن الكريم من كل ما يعرضه للتبديل و التحريف، و أجمع علماء

١ . الثلاثاء ١٨ ربيع الأول ١٤٢٤ ٢٠-٥-٢٠٠٣، رقم الفتوى ٣٢٣٠٠.

٢ . مركز الفتوى بالشبكة الإسلامية (إسلام ويب) هيئة شرعية، تتألف من كوكبة من الباحثين الشرعيين و طلاب العلم من حملة الشهادات الشرعية، ممن ترمسوا في الفتنيا و البحث العلمي، و يتولى الإشراف على مركز الفتوى بـ إسلام ويب إدارة الدعوة و الإرشاد الديني بوزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية بدولة قطر. و هذا المركز بكامل أعضائه يتبنى ويعتمد منهج أهل السنة و الجماعة في الاعتقاد و العمل، و النظر و الاستدلال، و التعامل مع المخالف، من غير تعصب لمذهب أو بلد أو طائفة.

الإسلام سلفاً و خلفاً على أن كل تصرف في القرآن يؤدي إلى تحريف في لفظه أو تغيير في معناه ممنوع منعا باتاً و محرم تحريماً قاطعاً، و قد التزم الصحابة... و من بعدهم إلى يومنا هذا كتابة القرآن بالحروف العربية. انتهى.

و قال الشيخ محمد رشيد رضا في تفسير المنار: فإذا كانت الحروف العجمية التي يراد كتابة القرآن بها لا تغني غناء الحروف العربية لنقصها كحروف اللغة الإنجليزية فلا شك أنه يمتنع كتابة القرآن بها، لما فيها من تحريف كلمه، و من رضى بتغيير كلام الله فهو كافر، و إذا كان الأعجمي الداخل في الإسلام لا يستقيم لسانه بلفظ محمد فينطق بها «مهمد»، و بلفظ خاتم النبيين فيقول: كاتم النبيين، فالواجب أن يجتهد بتمرين لسانه حتى يستقيم، و إذا كتبنا له أمثال هذه الكلمات بلغته فقرأها كما ذكر فلن يستقيم لسانه أبد الدهر، ولو أجاز المسلمون هذا للروم و الفرس و القبط و البربر و الإفرنج و غيرهم من الشعوب التي دخلت في الإسلام لعله العجز لكان لنا اليوم أنواع من القرآن كثيرة، و لكان كل شعب من المسلمين لا يفهم قرآن الشعب الآخر... .

و بهذا النقل تعلم أن كتابة القرآن بحروف غير عربية لا تجوز ولو كانت هذه اللغة تحتوى على حروف العربية، و ذلك لأنه منذ نزول القرآن و جمعه في عهد أبي بكر و عثمان - رضى الله عنهما - و القرآن يكتب بالحروف العربية، و أجمع على ذلك التابعون و من بعدهم إلى عصرنا رغم وجود الأعاجم فوجبت المحافظة على ذلك عملاً بما كان في عهده - صلى الله عليه و سلم - و عهد خلفائه و أصحابه... و عملاً بإجماع الأمة، كما أنه لا يؤمن إذا فتح هذا الباب أن يفضى إلى تحريف القرآن على مر الأيام كما حصل للكتب السابقة، فوجب أن يمنع ذلك محافظة على أصل الإسلام، و سداً لذريعة الشر و الفساد، و قد نص على ذلك إضافة إلى من تقدم عدد من العلماء المحققين كالشيخ عبد العزيز بن باز و الشيخ عبد الرزاق عفيفي و كذلك هيئة كبار العلماء في بحث أعد خصيصاً في هذا الموضوع. و إذا تقرر هذا فإن النسخ الموجودة من كتابة القرآن بالأحرف اللاتينية لا تأخذ حكم القرآن لأن القرآن هو النظم و المعنى، لا المعنى وحده دون النظم و لاسهياً أن النظم هو الموصوف بالإنزال و الإعجاز و غير ذلك من الأوصاف التي لا تكون إلا للفظ العربي دون غيره. والله أعلم.

۷. فتاوی دوباره «شورای اروپایی فتوا و تحقیق» پیرامون نوشتن قرآن به خط لاتین

شورای اروپایی فتوا دوباره در ۱۲ تیرماه ۱۳۸۷ با حضور قرضای، نگارش قرآن به حروف لاتین را تحریم کرد. همچنین در سال بعد «مجمع پژوهش‌های اسلامی الأزهر» اعلام کرد: قرآن کریم کتابی الهی است که درک مفاهیم و ارزش‌های آن تنها از طریق زبان اصیل عربی امکان‌پذیر است و هر گونه تلاشی برای نگارش قرآن به حروف لاتین، مسلمانان را از مبانی و آموزه‌های این کتاب ارزشمند دور می‌کند. در این نشست که «محمد سید طنطاوی» شیخ الأزهر، «علی جمعه» مفتی مصر و «محمود حمدی زقروق» وزیر اوقاف و امور اسلامی این کشور حضور داشتند، بر ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف تأکید شد.

۸. استفتائات جدید پیرامون خط عربی و تغییر خط از علمای ایران

به مناسبت تألیف و تدوین کتاب *دانشنامه خط فارسی*، پنج استفتاء از هشت تن از مراجع معظم تقلید و نیز برخی علماء شیعه ایران پرسیده شد که در اینجا، تمامی پاسخهای ایشان ذیل هر سؤال به ترتیب درج شده است.^۱

۱. آیا خط عربی، مقدس است؟ و اگر هست، شامل فقط خط کوفی ابتدایی می‌شود یا همه خطوط عربی، از صدر اسلام تا کنون را شامل می‌شود؟

آیت الله مظاهری: خط عربی تقدس خاصی ندارد، ولی گفته شده رساترین خطها است.
آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: خیر، فی نفسه تقدسی ندارد.
آیت الله مکارم شیرازی: خط عربی قداست خاصی ندارد، ولی با توجه به اینکه خط قرآن و احادیث است، بی‌احترامی نیز به آن نشود اولی است.
آیت الله علوی گرگانی: خط عربی هم مانند خطوط دیگر است و تقدسی ندارد. بله، این خط وقتی متعلق آن مقدس شد، مقدس میشود. مثل اینکه خط عربی را برای نوشتن قرآن استفاده کردند، آن خط مقدس میشود.

آیت الله محمد علی گرامی: گرچه با فحوص نسبت زیاد، در متون منابع و حکمات بزرگان چیزی نیافتم، لیکن به نظر می‌رسد اگر زبان عربی به خاطر پیامبر اکرم و قرآن قداست دارد، خط عربی هم این طور است، گرچه حروف بسیطه همان حروف فارسی است با اندک تفاوت، لیکن حروف ترکیبی عربی با سائر زبانها فرق دارد و تفاوت خطوط عربی هم در قداست، به مقدار نزدیک بودن به خط و رسم الخط امامان می‌باشد.
آیت الله سید محمدجواد علوی طباطبائی: آنچه موضوع آثار شرعیه زبان عربی است که قرآن کریم به آن زبان نازل شده است و نماز باید به آن زبان خوانده شود، و نیز سایر موارد مانند صیغه عقد خصوصاً در عقد دائم، و این معنی طبعاً قداست به این زبان می‌دهد. ولی رسم الخط در هر زبان ابزار برای به کار بردن آن زبان است نه بیشتر از آن و لذا زبان عربی در مثل قرآن حتی اگر به رسم الخط لاتین نوشته شود مانند تلفظ کلمات که موسوم است همان احکام لمس خط قرآن را دارد.

۲. آیا خط عربی، خط اسلام است؟ و یا تنها زبان عربی، زبان اسلام است و نوع نوشتن و نوع خط، ارتباطی به اسلام ندارد؟

آیت الله العظمی مظاهری: خط اسلام نیست ولی زبان اسلام است.
آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: خط، ربطی به اسلام ندارد.
آیت الله مکارم شیرازی: از پاسخ بالا روشن شد.

۱. آیت الله سید صادق شیرازی و نیز محفوظی، برای هر پنج استفتاء یک پاسخ مرقوم فرموده اند که ذیل سؤال پنج درج شده است.

آیت الله علوی گرگانی: زبان عربی زبان اسلام است.
آیت الله محمد علی گرامی: خط از زبان جدا نیست، حکم لفظ بر کتابت جاری است، بنظر حقیر در فقه هم همینطور است. عقد کتابتی مثل عقد لفظی است.

آیت الله سید محمدجواد علوی طباطبائی: در زمان طلوع اسلام رسم الخط معمول خط عربی بوده است که این خط با تغییراتی که در آن ایجاد شد و بر اساس نیاز هم بوده است به خط عربی معمول روز تبدیل شده است ولی اسلام وراء این خط و سایر خطوط و در مقام بالاتری است. بله در حال حاضر خط عربی خط معمول رایج برای مراجعه به متون اسلامی است ولی نمیتوان گفت که این خط خط اسلام است.

۳. آیا مسلمانان، موظفند که خط عربی را حفظ و پاسداری نمایند؟ و اگر موظفند، باید کدام نوع از انواع و اشکال خطوط عربی را مراقبت و محافظت نمایند؟

آیت الله مظاهری: باید قرآن و روایات اهل بیت - علیهم السلام - را پاسداری کنند.
آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: حفظ خط عربی اگر راه منحصر حفظ قرآن و روایات باشد، واجب می شود.

آیت الله مکارم شیرازی: با توجه به اینکه منابع علمی و دینی اسلامی با خط عربی است لازم است از آن پاسداری کنند تا آثار گذشتگان حفظ شود.

آیت الله علوی گرگانی: خط عربی مرسوم که قرآن کتاب الهی و کلمات رسول مکرم اسلام و ائمه هدی با آن نوشته میشود، باید آن را حفظ کنیم، ولی یک خط خاصی مراد باشد، این طور نیست.

آیت الله محمد علی گرامی: قداست فقط احترام می آورد، لیکن مطلب مهم این است که مفاهیم بلند اسلامی در خطوط عربی نهفته است و اگر حفظ نشود، به این مفاهیم بلند ضربه می خورد.

آیت الله سید محمدجواد علوی طباطبائی: آنچه مسلمانان وظیفه دارند، حفظ میراث اسلامی است و این میراث در حال حاضر به خط عربی است و دسترسی به آن از طریق این خط صورت میگیرد و تفاوت نمی کند که به چه نوع و چه شکل باشد خط نیز مانند سائر مقولات در هر زبانی در مسیر تکامل پیش می رود و نیاز به فراگیری و قرائت و به کارگیری بهتر و وسیع تر آن در طول زمان نیاز به تغییرات را ایجاد میکند، ولی مهم در این باب حفظ پیوند نسلها با میراث اسلامی است و اگر این پیوند جز با خط عربی ممکن نشود، طبعاً باید برای حفظ دین میراث حفظ شود.

۴. اگر خط عربی کنونی، دارای اشکالات فنی و کاربردی باشد، آیا تعمیر و تصحیح و یا تغییر شکل خط عربی در زمان حاضر مجاز است؟

آیت الله مظاهری: اگر منافات با قرآن و روایات اهل بیت پیدا نمی کند مجاز است، ولی باید بدانیم قرآن عربی مبین است و اشکال فنی و کاربردی قطع ندارد.

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: فی نفسه، جایز است.

آیت الله مکارم شیرازی: تصحیح خط مزبور در صورتی که اشکال داشته باشد، مانعی ندارد.

آیت الله علوی گرگانی: تغییر و تصحیح آن هیچ گونه اشکالی ندارد.

آیت الله محمد علی گرامی: منعی نیست.

آیت الله سید محمدجواد علوی طباطبائی: به طور قطع رسم الخط موجود دارای اشکالات زیادی است، و تلاش برای رفع این اشکالات به خصوص در رسم الخط قرآن‌های طبع جدید در بسیاری از کشورها مشهود است. هیچ تعبدی در عدم تغییر و تغییر و تصحیح وجود ندارد، و لذا هیچ منعی برای تکامل این خط در جهت اصلاح وجود ندارد.

۵. اگر ترویج و تحکیم مبانی و مسائل اسلامی، توسط نگارش با خطی غیر عربی یا جدید الاحداث، راحت‌تر و بهتر و بیشتر، صورت پذیرد، آیا ایجاد و یا به کارگیری این خط مجاز است؟
آیت الله مظاهری: اگر منافاتی با قرآن و روایات پیدا می‌شود قطعاً جائز نیست و قطعاً کار غلط و اشتباه است.

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: فی نفسه، جایز است، ولیکن نیاستی موجب قطع رابطه فرهنگی امت اسلامی با میراث فکری و اسلامی شود، همان‌گونه که در ترکیه توسط استعمار انجام گرفت و دیگر امروز مردم ترکیه قادر به فهم و استفاده از متون فقهی و فرهنگی اسلامی خود نمی‌باشند.
آیت الله مکارم شیرازی: استفاده از خطوط دیگر مانعی ندارد، مشروط بر اینکه خط اصلی به فراموشی سپرده نشود.

آیت الله سید صادق حسینی شیرازی: آنچه حفظ نصوص قرآن و متون روایی متوقف بر آن باشد، از باب مقدمه واجب نیز واجب است، و الله العالم.

آیت الله علوی گرگانی: هر خطی که بتواند مبانی دینی را راحت‌تر و بهتر در اختیار مشتاقان قرار دهد، به کارگیری آن خط مورد تأیید است. (۱۳۹۰/۱۱/۸)

آیت الله محمد علی گرامی: اشکالی نیست، ولی نباید خط عربی منسوخ شود که به منابع و استفاده از آنها لطمه وارد می‌شود.

آیت الله محفوظی: خط و زبان عربی فصیح که زبان و لغت قرآن و وحی است، مقدس‌ترین و افضل تمام لغات و السنه است که در روایت دارد که زبان اهل بهشت هم عربی است و بر مسلمانان است که در حفظ و اهمیت به این زبان بیشتر اهتمام ورزند و استفاده از غیر این زبان هم برای اغراض خاصه اشکال ندارد.
آیت الله سید محمدجواد علوی طباطبائی: به صورت بنیانی اشکالی ندارد، ولی از نظر شکلی دو مطلب قابل ملاحظه است:

۱. خط عربی موجود که تکامل یافته کوفی قدیم است موضوع پاره‌ای از علوم مانند علم حروف و نیز پاره‌ای از محاسبات است مانند محاسبه بر اساس حروف ابجد، این قبیل علوم و معارف اگر چه چندان رایج و معمول نیست، ولی در ارتباط مستقیم با رسم الخط عربی است، البته این آثار و محاسبات بر اساس صداها است نه خصوص لفظ مثل صدای «ش» با کتابت sh هم در رسم الخط انگلیسی قابل تلفظ است و یا th با کتابت th و آثار مترتب بر خود الفاظ نیست بلکه مترتب بر صدا و تلفظ است. لذا در این مسیر این اشکال با دقت زیاد قابل رفع است.

۲. اشکالی که بسیار اساسی است در مواردی که تغییر خط در بعضی از کشورها صورت گرفته و غالباً منشأ خارجی و استعماری داشته است، قطع پیوند نسل‌های بعد با میراث گذشته پیش آمده است. در ترکیه رسم‌الخط عربی به لاتین تبدیل شد و این قطع پیوند نسل‌های موجود با میراث مکتوب گذشته از زمان آتاترک تا به امروز هنوز جبران نشده است. در آسیای میانه و قفقاز تبدیل رسم‌الخط عربی به کریل (روسی) پیوند نسل‌های موجود را با میراث مکتوب گذشته تقریباً بکل قطع کرد و همین معنی موجب عرضه و قبول فرهنگ‌های غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی شد و این عوارض تاکنون باقی است و خصوصاً در آذربایجان که این تغییر دوبار صورت گرفت و در سال‌های اخیر کریل به لاتین تبدیل شد. و من به چشم خود دیده‌ام که جوانان این کشور و نسل جدید موجود حتی اطلاعی از آثار منظوم شعرای بزرگ خود ندارند، چه برسد به میراث قرآنی و حدیثی و لذا مسئله تغییر خط اگرچه می‌تواند دارای بارهای مثبتی باشد؛ از جمله ترویج بهتر مکتب، ولی عوارض منفی فراوانی نیز دارد که جبران آن بسیار مشکل است. و در این مسیر در سال‌های گذشته تغییر خط فارسی به لاتین که مطرح شد و بعضی از مطرح‌کنندگان نیز افراد دلسوزی بودند و نواقص در رسم‌الخط فارسی را مانع فراگیری آن می‌دانستند، ولی به همین جهاتی که عرض شد، با مخالفت جدی و حتی مقاومت مرحوم آیت الله بروجردی مواجه شد و پیش نرفت و این مطلب در شماره مخصوص مجله حوزه به مناسبت سی‌امین سال رحلت آن فقید از زبان بعضی اصحاب و شاگردان ایشان در مصاحبه‌ها آمده است.

مطلبی باز این حقیر اضافه می‌کنم؛ رسم‌الخط عربی موجود دارای نواقصی است و پاره‌ای از این نواقص هم اساسی است، ولی این خط را به چه خطی می‌خواهیم تبدیل کنیم؟ خط انگلیسی که رسم‌الخط رایج دنیاست، دارای نواقصی بسیار در خواندن و فراگیری است که کمتر از مشکلات موجود در زبان عربی نیست. رسم‌الخط فرانسوی و یا روسی و یا لاتین اسپانیایی نیز دارای مشکلات این‌چنینی بسیار جدی است و لذا کشورهایی که خط خود را به آنها تغییر داده است بر اساس نیازهای خود تغییراتی در آن داده و علاماتی اضافه کرده‌اند. بنابراین تبدیل به این رسم‌الخطها مشکل را حل نمی‌کند. اگر بخواهیم خطی جدید را ابداع کنیم، اضافه بر مشکلات جدی در مسیر رایج شدن آن در طول زمان، باز با نواقصی مواجه می‌شود؛ بنابراین واقع‌بینانه است که بنا را بر تصحیح، تعمیر و تکمیل خطوط موجود چه در عربی و چه در فارسی بگذاریم که هم مشکلات رفع شود و هم عوارض منفی ذکر شده پیش نیاید. و غرض از این تطویل بیان این مطلب است که مسئله تغییر خط تنها با رفع موانع شرعی و حکمی مرتبط نیست، بلکه قبل از سؤال از حکم شرعی باید موضوع حکم به دقت مورد بررسی قرار گیرد. با آرزوی توفیقات بیشتر برای حضرت‌عالی.

کتاب نامه

۱. آخوندزاده، فتحعلی، سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه، نسخه خطی، تهران، کتابخانه سپهسالار.
۲. استادی، کاظم، «تاریخچه تغییر خط در ایران»، آئینه پژوهش، شماره ۱۳۲.
۳. استادی، کاظم، تاریخچه تغییر خط، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۱.
۴. استادی، کاظم، فعالان اصلاح و تغییر خط، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱.
۵. استادی، کاظم، «گاه شمار خط فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۹۱، شماره ۱۵.
۶. استادی، کاظم، «روزنامه اختر و تغییر خط»، پیام بهارستان، ۱۳۹۱، شماره ۱۶.
۷. اصفهانی، علی جناب، رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۵.
۸. اصفهانی، میرزا مهدی، مصباح الهدی، ج ۲ و ج ۳.
۹. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر کتاب المآثر و الآثار، ج ۱.
۱۰. بهایی، جامع عباسی، چاپ سنگی.
۱۱. حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار (در احوال رجال دوره قاجار)، مصحح محمد علی روضاتی، اصفهان.
۱۲. حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴.
۱۳. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۵.
۱۵. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، ج ۳.
۱۶. فلسفی، محمد تقی، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۷. محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، ۱۳۶۳ش، مدخل: خط.
۱۸. مفرد کهلان، جواد، فرهنگ و اندیشه، وبسایت شخصی وی.
۱۹. میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، مشهد، نشر دیانت، ۱۳۴۱.
۲۰. نجفی جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰.
۲۱. نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعة، ج ۱۸.
۲۲. _____، روزنامه اختر، سال ششم ۳ جمادی الآخر ۱۲۹۷، شماره ۲۲.
۲۳. _____، روزنامه اختر، سال هفتم ۱۹ صفر ۱۲۹۸، شماره ۵.